نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸
پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵
صفحات: ۷۱-۵۵
10.29252/mmi.1004.13990515 doi

گونه‌شناسی معماری سیاه‌چادر ایل قشقائی

محسن افشاری*

چکیده

از دیرباز، عشایر ایران به لحاظ نوع زندگی و معیشت خود، یعنی دامپروری متحرک یا کوچ‌روی، مسکن خود را به صورت قابل‌حمل، مقاوم، سبک و با قابلیت نصب و جمع سریع ساخته‌اند. گونه‌شناسی سیاه‌چادرهای عشایری ایران به‌عنوان بخشی از مطالعات میراث معماری ایران، از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است؛ سیاه‌چادر عشایری، از مصالح بوم‌آورد با ساختار سبک و مقاوم در برابر شرایط مختلف جوی و حمل و نقل مداوم، به صورت خودکفا توسط عشایر تهیه می‌شود و اجزای آن قابل بارگیری بر روی چهارپایان هستند. از دیگر جنبه‌های مهم و قابلیت‌های آزموده‌شده سیاه‌چادر عشایری، تغییر فرم و ساختار آن در اوقات و فصول مختلف سال با عناصر مشخص و ثابت است که در چهار حالت؛ تابستانه، زمستانه، کوچ‌روی و تغییر سریع در بارندگی‌های پیش‌بینی‌نشده است. سادگی، انعطاف، سرعت برپایی و اقتصادی بودن، از دیگر وجوه اهمیت سیاه‌چادرهای عشایر هستند. با توجه به ماهیت پژوهش و اقتضای فهم خصوصیات معماری کوچ، انجام این تحقیق تحت "روش تحقیق توصیفی" جهت تصویرسازی ماهیت و وضعیت سیاه‌چادر ایل قشقائی انجام شد. از زیرشاخه‌های روش تحقیق توصیفی، از نوع "پیمایشی" و "روش مقطعی" استفاده شد که به منظور گردآوری داده‌ها درباره خصوصیات سیاه‌چادر ایل قشقائی، در یک مقطع زمانی یک‌ساله از "نمونه‌گیری نظری هدفمند" بهره گرفته شد. برای انجام این پژوهش، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی بر روی فرم، شیوه ساخت و عناصر سیاه‌چادرهای ایل قشقائی که محدوده کوچ‌روی و قشلاق و ییلاق آنان از جنوب استان اصفهان تا فارس و بوشهر و خوزستان بوده، صورت گرفته‌اند. اهمیت گونه‌شناسی سیاه‌چادر ایل قشقائی در این است که این سیاه‌چادرها، تنها گونه سیاه‌چادر با فرم مکعب‌شکل در حالت تابستانه در دنیا هستند. یافته‌های این پژوهش در حوزه مطالعات معماری ایران، علاوه بر ثبت بخشی از میراث فرهنگی و معماری ایران، که رو به فراموشی است، می‌توانند الهام‌بخش ایده‌های جدید برای طراحی نوین معماری چادری با زمینه فرهنگی باشند.

کلیدواژه‌ها: معماری، سیاه‌چادر، ایل قشقائی، گونه‌شناسی

* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان. m.afshary@aui.ac.ir

مقدمه

سیاه‌چادر به حوزه‌ای تعلق دارد که از آفریقای شمالی به سوی آسیای غربی و مرکزی که نزولات متوسط سالیانه آن بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر است، کشیده شده است. در بسیاری از نواحی به محض اینکه از مرز ۵۰۰ میلی‌متر باران می‌گذرد، چادر به سرعت محو می‌شود. همچنین، چادر در تمام حوزه پراکندگی که نزولات آنها زیر ۲۵۰ میلی‌متر است، وجود ندارد. دو مشخصه چادر، یعنی مقاوم نبودن در مقابل باران و سرپناه نبودن آن در مقابل تابش خورشید، به دو عامل جغرافیایی فیزیکی یعنی نزولات متوسط سالانه بیش از ۵۰۰ میلی‌متر و فشردگی و تیرگی هوا مربوط می‌شوند و این دو عامل، مانعی در گسترش آن به وجود می‌آورند. در مورد گستردگی سیاه‌چادر به‌خصوص در استپ‌های بوته‌زار، به دلیل اینکه در این سرزمین‌ها فقط بوته وجود دارد، برای احداث خانه، دسترسی به چوب نسبتاً دشوار است. سیاه‌چادرها تنها شکلی از مسکن هستند که نسبت به ابعاد خود، کمترین مقدار چوب را لازم دارند؛ لذا استپ‌های بوته‌زار، کانون جماعات کوچ‌رو هستند. توزیع جغرافیایی سیاه‌چادر به‌طور مستقیم تحت تأثیر شرایط اقلیمی و پوشش گیاهی است که حدودی را برای نوعی زندگی به وجود می‌آورد و این نوع زندگی به‌طور مستقیم وابسته به آن است (فیلبرگ، ۱۳۷۲).

عشایر ایران، میراث فرهنگی فلات ایران هستند که در قرون گذشته، اکثریت جامعه ایران به طریق آنها می‌زیسته‌اند (دومورینی، ۱۳۷۵). در میان ایلات و طوایف مختلف، با توجه به اقلیم زندگی آنان، جواب‌های مناسبی به مسکن زندگی کوچ‌روی داده‌اند. اهمیت این پژوهش، به لحاظ ثبت اطلاعات زندگی، مسکن و معماری میراث خرده‌فرهنگ‌های فلات ایران است که با توجه به خطر انحلال و فراموشی این روش زندگی، ثبت اطلاعات و جزئیات روش زندگی و مسکن آنان بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. ایل قشقائی، از ایلات جنوب ایران است که دامنه حضور آنان از مرکز ایران تا کرانه‌های خلیج فارس گسترده است.

قشقائی‌ها به زبان "ترکی قشقائی" صحبت می‌کنند و مسلمان و شیعه‌مذهب هستند. قشقائی‌ها کلیه مایحتاج زندگی خود از پوشاک و غذا و فرش و مسکن گرفته تا ظروف مورد لزوم و ساده زندگی را از مواد اولیه‌ای که در محل تهیه می‌کنند، می‌سازند. ساخت اجتماعی ایل قشقائی به ترتیب از کل به جزء، شامل ایل، طایفه، تیره، بنکو، بیله و اُبا است. ایل قشقائی دارای شش طایفه بزرگ شامل؛ دره‌شوری، عمله، فارسیمدان، شش بلوکی، کشکولی بزرگ و کشکولی کوچک است (کیانی ۱۳۷۷). مطابق تصویر ۱، مسیرهای کوچ‌روی و یورد [سکونتگاه ییلاقی یا قشلاقی عشایر] ایل قشقائی، از جنوب استان اصفهان تا کرانه‌های خلیج فارس و استان‌های فارس و بوشهر و بعضاً شرق استان خوزستان گسترده است.

پرسش‌های پژوهش که مقاله به دنبال پاسخ به آنها است عبارت هستند از؛ ۱) سیاه‌چادرهای ایل قشقائی دارای چه ویژگی‌های معماری هستند؟ ۲) نکات اصلی و مفاهیم مورد توجه عشایر در ساخت سیاه‌چادر ایل قشقائی چه بوده‌اند؟ که در فرآیند پژوهش، وجوه مختلف آنها مورد بررسی و پاسخ قرار گرفتند.

پیشینه پژوهش

"گونه"، یک مفهوم کلی است که در زبان معماری، عهده‌دار سازمان‌دهی عناصر و پدیده‌های مشابه در دسته‌ها، اعلام و اسامی عام است و آنچه گونه‌ها را پدید می‌آورد، مشخصه‌هایی است که ذاتی پدیده‌های خاص بوده و اشتراک میان آنها، مولد یک موجودیت مشترک و قابل‌استنتاج از آنها است که "گونه" انگاشته می‌شود (راهب، ۱۳۹۴). گونه همواره بر اصول مشخصی استوار است و این اصول، تعیین‌کننده صورتی هستند که یک اثر یکه را به یک "آن" کلی مبدل می‌کند (شولتز، ۱۳۸۱).

"گونه‌شناسی" بر اساس تفکر شولتز، سازمان‌دهی آثار و پدیده‌های منفرد ولیکن مشابه در یک طبقه‌بندی کلی‌تر است که بدانها هویتی فراتر از موجودیت خاص به منزله یک اثر منفرد می‌بخشد. ماهیت "گونه‌شناسی" با توجه به شرایط زمان و مکان می‌تواند تعدیل و تغییر یابد (معماریان و دهقانی‌تفتی، ۱۳۹۷). به تعبیری دیگر، دسته‌بندی بناها بر اساس یک گروه از وجوه مشترک آنها، گونه‌شناسی یا نمون‌شناسی تعریف می‌شود (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲).

پرسش و دغدغه مطرح‌شده در این پژوهش، گونه‌شناسی معماری سیاه‌چادرهای ایل قشقائی بود. ایلات و طوایف عشایری مختلف ایران، با توجه به شرایط اقلیمی خود، سیاه‌چادرهای متفاوتی از حیث برپایی دارند (ضرغامی، ۱۳۹۵). علی‌رغم پژوهش‌های مقدماتی (افشاری، ۱۳۸۳؛ اوژن، ۱۳۸۴)، تا کنون مطالعه دقیقی روی گونه‌شناسی معماری سیاه‌چادر ایل قشقائی صورت نگرفته است.

عنصر اصلی مسکن عشایر قشقائی، سیاه‌چادرهای دست‌باف با سازه‌ای از طناب و دیرک چوبی است (افشاری، ۱۳۸۳)، مبلمان منزل قشقائی‌ها نیز منسوجات دست‌باف زنان عشایر است. سیاه‌چادرهای قشقائی به‌عنوان عناصر اصلی مسکن آنان، قابلیت مناسبی برای نصب و جمع و تغییر شکل سریع را دارند

و برای زندگی کوچ‌روی مناسب هستند (Alinaghizadeh & Afshari, 2012). مطالعات مقدماتی نیز در باب فعالیت‌های روزمره زندگی در محیط مسکن قشقائی‌ها صورت گرفته‌اند (Afshari & Alinaghizadeh, 2012).

همچنین، پژوهش‌هایی از دیگر جوانب سکونت عشایر ایل قشقائی، از منظر روش زندگی (افشاری، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۸الف؛ ۱۳۹۸ب؛ افشاری و پوردیهیمی، ۱۳۹۴الف، ۱۳۹۴ب؛ ۱۳۹۵) و دیگر وجوه مسکن کوچ و یکجانشینی انجام شده‌اند (Afshari et al, 2014).

مطالعات مردم‌شناسی در باب نژاد، گویش، معیشت، پوشاک و آداب و رسوم و دیگر وجوه زندگی ایل قشقائی، توسط بهمن بیگی (۱۳۶۹؛ ۱۳۷۷) و کیانی (۱۳۷۱؛ ۱۳۷۷) در گذشته انجام پذیرفته‌اند. بنابراین برای فهم وجوه مردم‌شناسانه روش زندگی، عناصر کالبدی مسکن عشایری و ویژگی‌های رفتاری در محیط مسکن آنها، مطالعات فوق، زمینه مناسبی را برای بررسی زندگی و مسکن ایل قشقائی ایجاد می‌نمایند که پژوهشگر برای نیل به اهداف پژوهشی خود، آنان را مد نظر قرار داده است.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش و اقتضای کشف و فهم خصوصیات معماری و مسکن کوچ، انجام این تحقیق تحت "روش تحقیق توصیفی" قرار گرفت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹؛ بازرگان، ۱۳۸۹) که در این پژوهش، از "تحقیقات توصیفی محض" جهت کشف و تصویرسازی ماهیت و وضعیت موجود خصوصیات معماری و مسکن کوچ استفاده شده است. "تحقیق توصیفی"، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن، توصیف کردن شرایط یا وضعیت پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد (بازرگان، ۱۳۸۹).

برای بررسی خصوصیات سیاه‌چادرهای ایل قشقائی، روش تحقیق توصیفی از نوع "پیمایشی" به‌کار گرفته شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹؛ بازرگان، ۱۳۸۹). این نوع تحقیق می‌تواند برای پاسخ به سؤال‌های پژوهشی جهت فهم ماهیت شرایط موجود، رابطه میان رویدادها و وضعیت موجود، مورد استفاده قرار گیرد.

در تحقیقات پیمایشی این پژوهش، "روش مقطعی" به‌کار گرفته شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹). در این راستا، به منظور گردآوری داده‌ها درباره خصوصیات معماری کوچ، در یک مقطع زمانی یک‌ساله، از "نمونه‌گیری نظری هدفمند" استفاده شده است (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱).

با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی از انجام پژوهش، بررسی خصوصیات معماری کوچ به "روش میدانی" است؛ بنابراین این مقاله از نظر هدف، در حیطه "پژوهش‌های کاربردی" قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه در این نوشتار از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و نیز روش‌های میدانی نظیر مشاهده و مصاحبه استفاده شده، مقاله حاضر بر اساس ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، یک "پژوهش توصیفی-پیمایشی" است.

در انجام این تحقیق علاوه بر مشاهدات و مستندنگاری، از مصاحبه با خود عشایر و همچنین استادکاران عشایری در مناطق مورد مطالعه کمک گرفته شد؛ بنابراین، نوع داده‌های دریافتی به صورت داده‌های ترکیبی آمیخته از مشاهده و مصاحبه بوده است. برای این منظور، از روش‌های عکس‌برداری و برداشت پلان‌ها و دیاگرام‌های قرارگاه‌های رفتاری و سپس، بررسی مجدد مشاهدات استفاده شد.

مطابق تصویر ۱، نگارنده برای تکمیل مستندات تحقیق در مناطق ییلاقی سمیرم و آباده و همچنین مناطق قشلاقی دوگنبدان، خورموج و جم، به تعقیب و مطالعه سیاه‌چادرهای ایل قشقائی در طول یک سال در فصل‌های ییلاق و قشلاق پرداخته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل دو بخش؛ یافته‌های معرفی کالبدی سیاه‌چادر و یافته‌های محیط-رفتار سیاه‌چادر قشقائی هستند. مسکن اصلی عشایر ایل قشقائی، سیاه‌چادر است که در لفظ ترکی، "قَره‌چادر" خوانده می‌شود. در فصول مختلف، بنا بر شرایط اقلیمی، فرم سیاه‌چادر تغییر داده می‌شود؛ به‌عبارتی می‌توان گفت که معماری سازگاریافته با کوچ است.

سیاه‌چادر تابستانه مطابق با تصاویر ۲ و ۳، در ییلاق برافراشته می‌شود. در فصل تابستان به دلیل گرمای هوا، یک طرف آن باز بوده و لتف گرفته نمی‌شود و مانند یک سالن مکعب مستطیل شکل، هوا به راحتی در آن جریان داشته و گرمای زیاد احساس نمی‌شود. گرچه رنگ تیره آن موجب جذب تشعشعات خورشیدی می‌شود، ولی ارتفاع زیاد و کوران هوا به تعدیل دما کمک می‌نماید. سیاه‌چادر تابستانه، شامل یک بخش سرپوشیده و مفروش است که انتهای آن تکیه‌گاهی از خوابگاه‌ها و جوال‌ها قرار می‌گیرد و در بدنه ورودی سیاه‌چادر تابستانه نیز پرده‌ای سفیدرنگ برای کنترل سرمای شبانه ییلاق آویخته می‌شود.

کوچ، بر مبنای بهره‌مندی از اوقات معتدل ییلاق و قشلاق صورت می‌گیرد؛ با این وجود، در فصل زمستان که بارش باران و سرمای زمستان، مسائلی را به وجود می‌آورند، باید سیاه‌چادرها به‌گونه‌ای برپا شوند که زندگی در آنها امکان‌پذیر

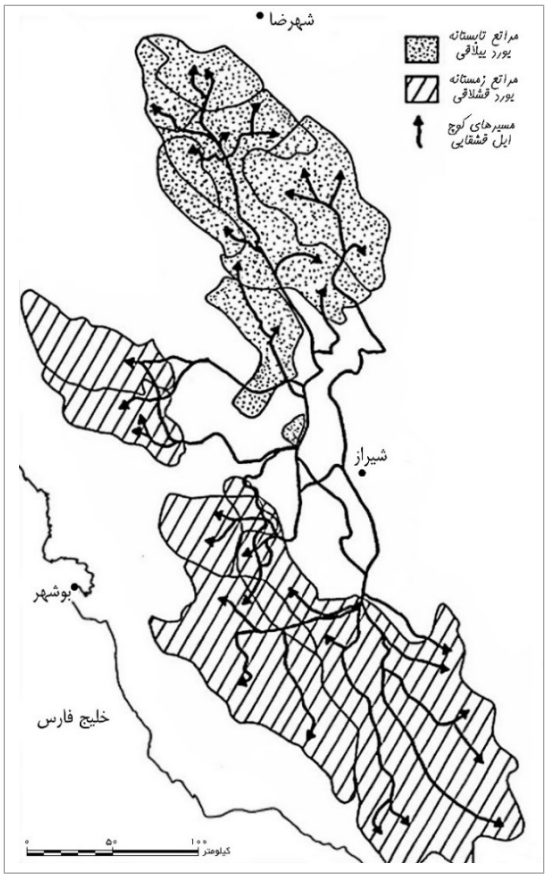

تصویر ۱. موقعیت ییلاق و قشلاق و مسیرهای کوچ‌روی ایل قشقائی (نگارنده)

تصویر ۲. سیاه‌چادر تابستانه ایل قشقائی (نگارنده)

تصویر ۳. سیاه‌چادر زمستانه ایل قشقائی (نگارنده)

باشد. برای برخورد با این مسائل، برپایی سیاه‌چادر زمستانه متفاوت است. برای برپایی سیاه‌چادر زمستانه، مطابق با تصاویر ۴ و ۵، فرم سیاه‌چادر را به صورت شیب‌دار و دوطرفه برپا می‌کنند و دور تا دور آن را قطعات لتف می‌کشند و فقط درگاه کوچکی را برای تردد در نظر می‌گیرند. در خط میانی سیاه‌چادر، دیرک‌های اصلی قرار می‌گیرند و آن را به دو سمت شیب‌دار تقسیم می‌کنند. دورتادور سیاه‌چادر را سنگ‌چین کرده و آبراهی به دور سیاه‌چادر ایجاد می‌کنند تا آب جاری به درون چادر وارد نشود. در کناره‌های عرضی و طولی سیاه‌چادر، دیرک‌های اریب را مطابق با تصاویر قرار می‌دهند تا در برابر بادهای قوی قشلاق مقاوم باشد، همچنین نوک لتف‌های بدنه به زمین برسد.

با توجه به جابه‌جایی مداوم عشایر، لازم است که مسکن آنها، خصوصیات مناسبی برای تطابق با شرایط اقلیمی متفاوت داشته باشد. بنابراین سیاه‌چادر آنان با عناصر ثابت، در تابستان، زمستان و کوچ‌روی، فرم‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. در حالت تابستانه، با آرایش دیرک‌ها، سیاه‌چادر فرم مکعب مستطیل را دارد.

مطابق تصویر ۶، در بارندگی‌های پیش‌بینی‌نشده اواخر فصل بهار، تبدیل سریع از فرم تابستانی به فرم شیب‌دار،

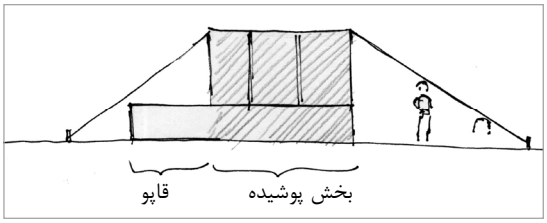

تصویر ۴. مقطع و حجم فرم تابستانی سیاه‌چادر (نگارنده)

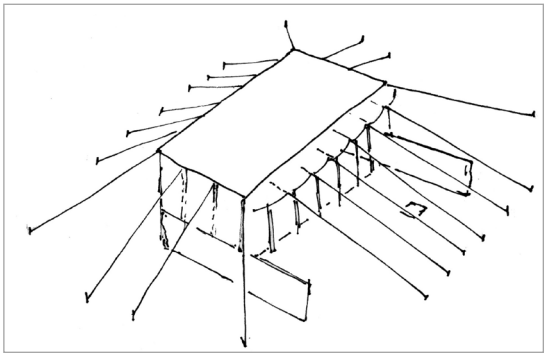

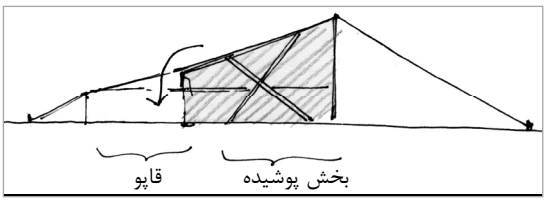

تصویر ۵. مقطع و حجم فرم تبدیل سریع سیاه‌چادر (نگارنده)

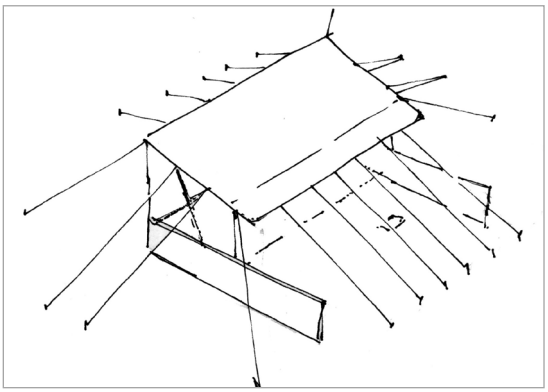

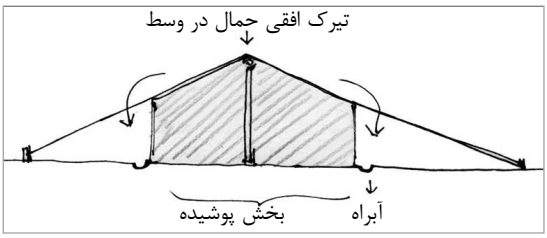

تصویر ۶. مقطع و فرم زمستانی سیاه‌چادر (نگارنده)

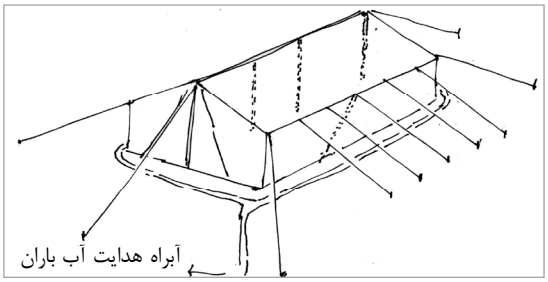

امکان محافظت از درون سیاه‌چادر را فراهم می‌نماید. تبدیل سریع از فرم تابستانی به فرم شیب‌دار در مواقع بارانی، با کج و ضربدری کردن دیرک‌های جانبی و برداشتن دیرک‌های جلویی میسر می‌شود.

در زمستان که عشایر به قشلاق معتدل کوچ می‌کنند، عامل بارندگی باعث می‌شود که فرم سیاه‌چادر به شکل شیب‌دار درآید. در این حالت، بر خلاف فرم تابستانه، دیرک‌ها در میانه فضای سیاه‌چادر قرار می‌گیرند.

در مواقع حرکت و کوچ، سیاه‌چادر فقط دارای سقف است و با حداقل مصالح، پوشش لازم ایجاد می‌شود و با دیگر بار و بنه زندگی، دیواره‌هایی در اطراف ایجاد می‌شوند. قاعده پلان سیاه‌چادرهای ایل قشقائی، دارای هندسه چهارگوش و مستطیل‌شکل است؛ زیرا که هندسه‌ای مناسب برای پاسخ‌گویی عملکردی بدون ایجاد فضای منفی است و همچنین، تعریف جهت در آن امکان‌پذیر است. نسبت تناسبات در قاعده، ۱ به ۲ است و در مواردی، ۱ به ۱/۵ و ۲/۵ نیز مشاهده شده است. ارتفاع سیاه‌چادر به خاطر مقاومت مناسب در برابر باد، حدود ۲/۶ متر است.

سیاه‌چادر و عناصر سازنده

نوع معیشت زندگی و تحرک دائم، موجب شکل‌گیری مسکن عشایر ایل قشقائی شده است. سیاه‌چادر، مسکن عشایر است و باید با زندگی کوچ‌روی و تحرک دائم، سازگاری داشته باشد و بسته‌بندی، جابه‌جایی، برافراشتن و تهیه آن به دست خود مردم انجام گیرد. بنابراین، مساکن چادرنشینان باید حداقل این شرایط را دارا باشند؛ ۱. سبک، کم‌حجم و قابل انتقال باشند، ۲. به صورت عایقی در زمستان گرم و در تابستان خنک باشند، ۳. در برابر باد و باران و طوفان‌های زمستانی، مقاوم و بادوام باشند، ۴. از نظر اقتصادی مناسب بوده و همه مردم امکان تهیه آن را داشته باشند، ۵. تهیه آن در محل و توسط خود مردم باشد.

با توجه به شرایط فوق، عناصر شکل‌دهنده سیاه‌چادر شامل؛ بدنه و سقف، طناب‌ها، دیرک‌ها، اجزا و اتصالات چوبی و چیق‌ها می‌شوند. بدنه و سقف سیاه‌چادر، از موی بز بافته شده که دارای نخ‌های محکم و به هم تابیده است. طناب‌ها از پشم گوسفند یا موی بز در طرح‌های متفاوت بافته می‌شوند. دیرک‌ها، حلقه‌های اتصال چوبی، میخ‌ها و شیش‌ها از چوب‌های مختلف تهیه و تراشیده شده و چیق‌ها یا آلاچیق‌ها که از باریکه‌های نی و چوب و نخ‌های مویین بافته می‌شوند. کلیه موارد ذکرشده، سبک و کم‌حجم بوده و به راحتی جابه‌جا می‌شوند و آسیب‌پذیری کمی دارند؛ که هر کدام از این اجزا به تفصیل تشریح می‌شود.

- **پوشش سیاه‌چادر:** پوشش یا سقف سیاه‌چادر، از نوارهایی تشکیل شده که رنگ آنها تیره است و از موی بز تهیه و بافته می‌شود. موی بز در برابر رطوبت هوا، خاصیت ارتجاعی دارد؛ یعنی در مواقعی که رطوبت زیاد است، جمع شده و در گرما باز می‌شود و انبساط پیدا می‌کند. به همین دلیل در هنگام سرما و بارندگی، روزنه‌ها بسته و در گرما آزاد می‌شوند. بسته شدن روزنه‌ها تا حدودی، مانع ورود قطرات و ذرات آب به درون سیاه‌چادر شده و در فصل گرم سال، باز شدن روزنه‌ها موجب عبور هوای بیشتر و کوران بهتری می‌شود (کیانی، ۱۳۷۷). در زمستان که مسئله بارندگی وجود دارد، فرم شیب‌دار سیاه‌چادر زمستانه به علاوه خاصیت چسبندگی موی بز باعث می‌شود تا اولین قطرات باران، روزنه‌های پوشش سیاه‌چادر را پر کرده و دیگر قطرات باران از روی آن به پیرامون سیاه‌چادر بلغزند.

علت دیگری که سیاه‌چادر را از موی سیاه بز می‌بافند این است که در زمستان هنگامی که در درون سیاه‌چادر آتش

تصویر ۷. دودزدایی سقف سیاه‌چادر از طریق کشیدن روی چمن و قبل از بسته‌بندی برای کوچ (نگارنده)

تصویر ۸. باریکه‌های تشکیل‌دهنده سقف و بدنه سیاه‌چادر از جنس موی بز (نگارنده)

روشن می‌کنند، دود این آتش در سقف می‌پیچد و تیرگی رنگ سیاه‌چادر باعث می‌شود دودزدگی آن به چشم نیاید. مطابق با تصویر ۷ برای دودزدایی سیاه‌چادر، هنگام کوچ، پوشش سیاه‌چادر را روی زمین پهن کرده روی چمن‌ها می‌کشند تا به‌طور کامل پاک شود.

علاوه بر این موارد، دلیل دیگری که سیاه‌چادر را از موی بز تهیه می‌کنند این است که موی بز در ایل به حد کافی وجود دارد و همیشه هر خانوار ایل تعدادی بز نگهداری می‌کند و از آنجایی که مسئله خودکفایی در زندگی عشایر اهمیت دارد، کار ریسندگی و تابیدن و بافتن باریکه‌های سیاه‌چادر توسط زنان و دختران ایل انجام می‌گیرد و نیازی به تأمین از جای دیگر نیست.

- باریکه‌بافی سیاه‌چادر: با توجه به مساحت زیاد قطعات سقف و دیواره سیاه‌چادر، عشایر ایل قشقائی این قطعات را به صورت ترکیبی از باریکه‌های ۸۰ سانتی‌متری از موی بز می‌بافند و سپس با دوخت این قطعات به هم، ابعاد دلخواه بدنه یا سقف را ایجاد می‌کنند. دلیل باریکه‌بافی این است که بافت یک تکه قطعات سقف و دیوارها نیاز به کارگاه بزرگ دارد و هم اینکه قطعات بزرگ موئین محکم بافته نمی‌شوند و در برپایی چادر، شکیل و قائم نمی‌ایستند (تصاویر ۸ و ۹).

سقف سیاه‌چادر، بسته به موقعیت اقتصادی خانواده‌های ایلی، مستطیلی به طول ۶ تا ۱۳ متر و عرض آن بین ۳ تا ۶ متر یعنی مساحت بین ۱۸ تا ۷۸ متر مربع و دیوارهای سیاه‌چادر هم مستطیلی به طول ۶ تا ۱۲ متر و عرض ۱/۵ تا ۲/۵ متر یعنی مساحتی بین ۹ تا ۳۰ متر مربع دارند.

از طرفی نیز قطعات سقف و دیوار سیاه‌چادر، تحت کشش مداوم قرار دارند؛ چون که ساختار سیاه‌چادر، مبتنی بر طناب‌ها و چادر موئین است و محل اتصالات گوشه‌گیر که به طناب‌های کشنده ساده چادر متصل است، مداوم قطعات پوشش سیاه‌چادر را به سمت بیرون می‌کشد و از همین رو، قطعات دور تا دور سیاه‌چادر زودتر از بقیه جاهای چادر فرسوده می‌شوند و حداقل چند سال یک‌بار باید تعویض شوند. به همین منظور، به راحتی می‌توان با تعویض باریکه‌های تحت کشش، قطعات جدید را جایگزین باریکه‌های فرسوده نمود.

- حلقه‌های اتصال (گوشه‌گیر): حلقه‌های اتصال که همانند بقیه قسمت‌های سیاه‌چادر از موی بز تهیه شده، ابتدا و انتهای آنها به صورت رشته‌های عنکبوتی درون باریکه‌های سیاه‌چادر محکم شیرازه زده می‌شود که استحکام بیشتری به آن می‌دهد. این حلقه‌ها که به گوشه‌گیر هم معروف هستند، به فاصله حدود هر ۸۰ سانتی‌متر دور سقف نصب شده و هر چه تعداد این حلقه‌ها بیشتر باشد، هم فشار کمتری بر آنها وارد می‌شود و هم سیاه‌چادر قائم و شکیل می‌ایستد (تصاویر ۱۰ و ۱۱). عشایر با محاسبات ضمنی که روی گوشه‌ها انجام داده، دریافته‌اند این گوشه‌گیرها تکان‌های شدید باد و وزن سنگین سیاه‌چادر را به‌خصوص هنگام طوفان یا گردباد یا بارندگی تحمل می‌نمایند. هر چه تعداد حلقه‌های اتصال بیشتر و به هم نزدیک‌تر باشد، نیروی وزن سیاه‌چادر بر تعداد آنها تقسیم شده و احتمال فرسودگی آنها کمتر شده و به عمر بیشتر سیاه‌چادر کمک می‌کند.

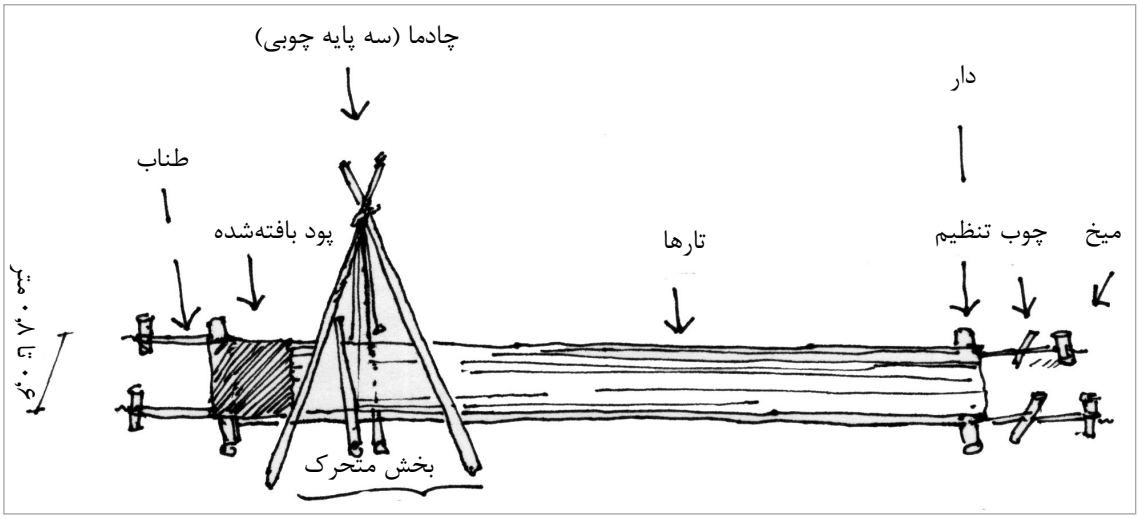

تصویر ۹. دار باریکه‌بافی سیاه‌چادر که از موی بز بافته می‌شود و نخ آن نیز توسط زنان ایل ریسیده می‌شود (نگارنده).

- دیوار سیاه‌چادر: دیواره سیاه‌چادر همانند سقف، از باریکه‌های متعدد بافته و به هم متصل شده است. هر سیاه‌چادر دو قطعه دیواره دارد و هر قطعه به صورت جداگانه به وسیله شیش یا سوزن‌های چوبی از سقف آویزان شده و به شکل قائم قرار می‌گیرد. دیواره‌ها باید دور تا دور سیاه‌چادر به استثنای ضلع ورودی را بپوشانند.

اتصال دیواره‌ها در سیاه‌چادر تابستانه و زمستانه متفاوت است. در سیاه‌چادر تابستانه که یکی از اضلاع بلند، ورودی محسوب می‌شود، دو قطعه بزرگ لتف را از اضلاع کوچک ضلع چپ و راست تا پشت چادر امتداد می‌دهند تا به یکدیگر برسند و با سوزن‌های چوبی به سقف متصل می‌کنند. البته برای محافظت از فضای داخلی، لتف‌ها باید یک متر هم‌پوشانی داشته باشند و تا نیم متر هم روی آلاچیق را بپوشانند و قسمت پایین آلاچیق را برای کوران هوا به داخل سیاه‌چادر باید آزاد بگذارند. باریکه‌هایی که جهت دیواره بافته می‌شوند، چون احتیاج به تحمل کشش زیاد ندارند، پهن‌تر از باریکه‌های سقف می‌بافند.

با توجه به تصویر ۱۲، روزنه‌های موجود در بافت پوشش سیاه‌چادر، این امکان را به عشایر می‌دهند تا از درون سیاه‌چادر، کنترل مناسبی را بر پیرامون خود داشته باشند؛ درصورتی‌که از طرف ناظر بیرونی، امکان هیچ‌گونه دیدی به داخل سیاه‌چادر

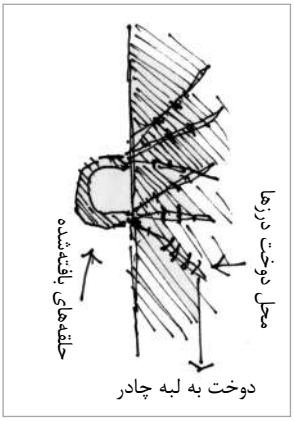

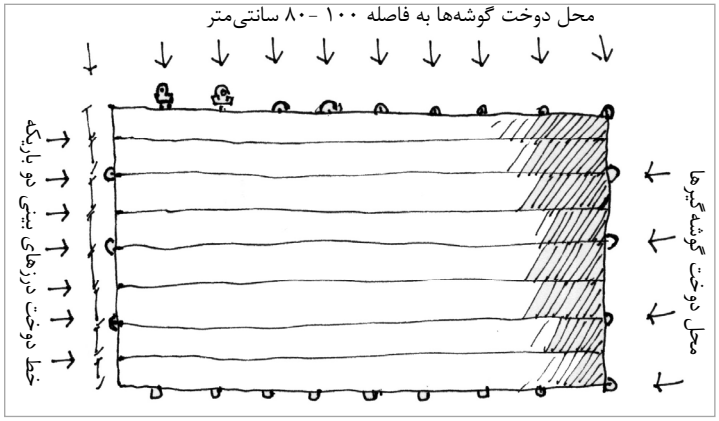

تصویر ۱۰. حلقه اتصال و قطعه گَرمَن (سقف سیاه‌چادر) که گوشه‌گیرها به آن دوخته شده‌اند که زیر هر گوشه‌گیر، یک دیرک قرار می‌گیرد و یک طناب هم به واسطه قلاب‌های چوبی به آن متصل می‌شود (نگارنده).

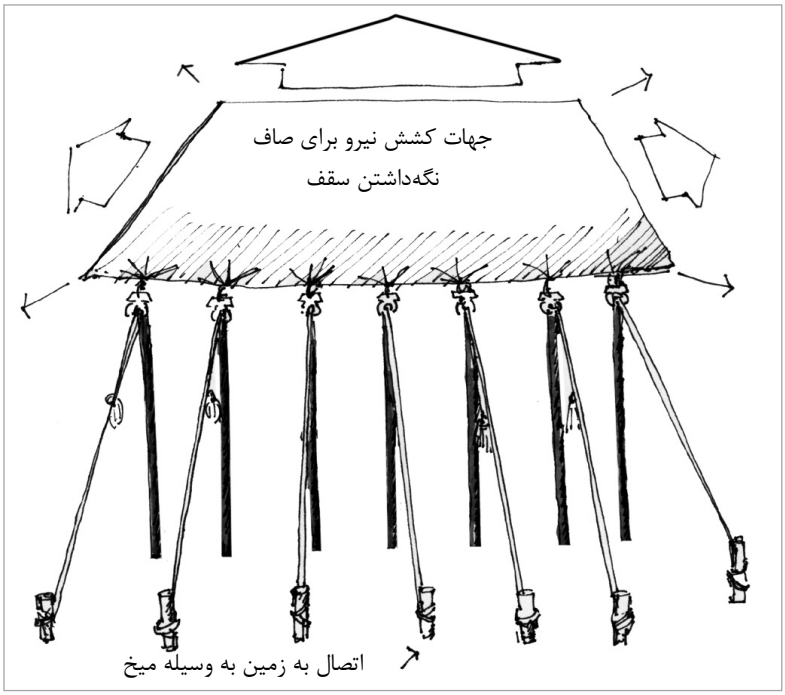

تصویر ۱۱. کشیدن سقف سیاه‌چادر از همه جهات (نگارنده)

وجود ندارد. بنابراین از لحاظ تأمین محرمیت درون خانه در مجموعه‌های چادرنشین عشایری که فاصله سیاه‌چادرها حدود ۴۰ الی ۵۰ متر است، کارآیی مناسبی دارد.

- شیش (سوزن‌های چوبی اتصال): شیش یا سوزن‌های چوبی اتصال، برای اتصال قطعات دیواره به سقف سیاه‌چادر یا دیواره‌ها به همدیگر کاربرد دارند. برای اینکه قطعات موئین سیاه‌چادر به راحتی باز و بسته شده و در اتلاف وقت نیز صرفه‌جویی شود و هنگام کوچ بتوانند به‌سرعت قطعات را باز کرده و یا به یکدیگر متصل نمایند، از سوزن‌های چوبی مخصوص و محکم استفاده می‌شود. این سوزن‌ها از جنس چوب درختان گز و از شاخه‌هایی که قطر آنها کمتر از یک سانتی‌متر و به طول بیست سانتی‌متر است، بریده شده و آنها را می‌تراشند. برای تراش دادن شیش، پوست حدود ده سانتی‌متر آن را می‌کنند و از پنج سانتی‌متری آن را باریک می‌کنند؛ به‌طوری که در انتها نوک‌تیز شود. این سوزن‌ها حالت مخروطی نوک‌تیز داشته و به سمت جلو تیزتر شده و به سمت عقب ضخیم‌تر می‌شود؛ بنابراین در هنگام اتصال قطعات دیواره و سقف سیاه‌چادر به خوبی دو بخش را به هم متصل و محکم می‌کنند. برای اتصال سقف به دیواره، در هر ۲۵ سانتی‌متر یک سوزن به‌کار می‌رود. سوزن‌های اتصال را طوری قرار می‌دهند که سر آنها یعنی ابتدا و انتهای آنها بیرون است و از داخل سیاه‌چادر دیده نشوند. هر چه سوزن‌ها به هم نزدیک باشند، درون سیاه‌چادر از باد و باران محفوظ‌تر است (تصویر ۱۳).
- اِرکَن (طناب‌های سیاه‌چادر): طناب‌های سیاه‌چادر همچون یک عضو کششی، وظیفه استحکام و ایستایی سیاه‌چادر را در جهات مختلف به عهده دارند. طناب سیاه‌چادر، از پشم گوسفند یا موی بز و یا مخلوطی از هر دو است که باید کاملاً تابیده شده و محکم باشد تا در زیر تیغ آفتاب و بارندگی‌های مداوم، مقاوم باشد. یک طرف طناب، به حلقه اتصال چوبی سقف سیاه‌چادر و طرف دیگر، به گردن میخ چوبی که در زمین فرو رفته است بسته می‌شود. یک گره برای کنترل کوتاهی و بلندی طناب در میانه آن وجود دارد تا بتوانند این طناب‌ها را به آسانی شل یا سفت نمایند؛ بدین منظور، طناب را از حلقه اتصال چوبی عبور داده و برمی‌گردانند و در وسط آن گره مخصوص می‌زنند که در زمان سست شدن طناب، می‌توان آن را باز کرده و طناب را محکم نمود. برای بافتن طناب‌های سیاه‌چادر، ابتدا متناسب با نوع طناب، دسته‌های سه‌تایی یا چهارتایی یا بیشتر از نخ تابیده‌شده موی بز یا پشم گوسفند را آماده می‌کنند و ابتدای آنها را به دور دیرک سیاه‌چادر می‌پیچند و به صورت مارپیچ شروع به بافت طناب می‌کنند.
- میخ‌های چوبی: اسکلت سیاه‌چادر به وسیله تعدادی میخ چوبی در زمین به‌طور قائم می‌ایستد. این میخ‌ها را از چوب‌های سخت و محکم درختان کوهی همچون بادام کوهی، ارژن و بلوط با مهارت می‌تراشند و با ضربه‌های پتک چوبی [تُخماق به زبان ترکی] در زمین فرو می‌برند و طناب‌های سیاه‌چادر را به آن می‌بندند. طول این میخ‌ها حدود پنجاه سانتی‌متر و قطر آنها حدود هفت سانتی‌متر است. میخ‌ها را به شکل مخروط نوک‌تیز دندانه‌دار می‌تراشند تا در زمین درگیر شوند و در وسط آنها گلوگاهی به وجود می‌آورند تا طناب در آن جای گیرد و نلغزد (تصاویر ۱۴ و ۱۵).
- دیرک: دیرک عبارت از تعدادی پایه چوبی به ارتفاع سیاه‌چادر و قطر حدود هفت سانتی‌متر که صاف و یکنواخت

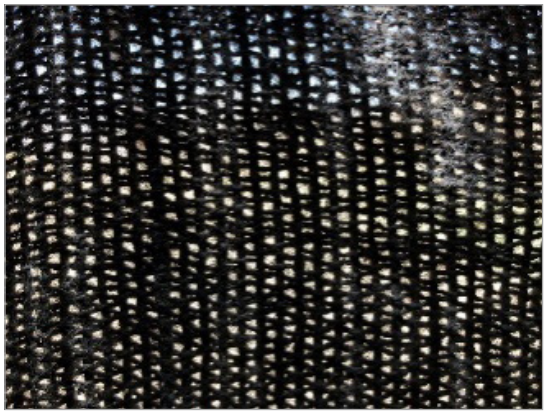

تصویر ۱۲. امکان دید به بیرون سیاه‌چادر از طریق بافت دیواره سیاه‌چادر و عدم این امکان از سمت بیرون (نگارنده)

بوده و از ساقه‌های بدون گره است که انتهای آن را به شکل U می‌تراشند تا در زیر طناب‌های سیاه‌چادر در محل حلقه اتصال به صورت عمودی قرار دهند. دیرک‌ها در زمین فرو نمی‌روند و برای اینکه در اثر حرکت باد و تکان‌های شدید نیفتند و جابه‌جا نشوند، به وسیله طناب‌های باریک آویزه‌دار به نام پایه پیچ، آنها را به هم می‌بندند (تصویر ۱۶).

تعداد دیرک‌های سیاه‌چادر بسته به ابعاد آن متفاوت است که از ۱۲ تا ۳۲ عدد متغیر است. به‌طور معمول، ابعاد سیاه‌چادر، وابسته به منزلت اجتماعی خانوار هستند؛ بنابراین ابعاد قطعات و همچنین تعداد دیرک‌های هر سیاه‌چادر نیز وابسته به منزلت اجتماعی خانوار، کم یا زیاد خواهند بود. دیرک‌ها از جنس چوب درختان سپیدار یا صنوبر هستند که از باغداران محلی خریداری می‌شوند و سپس پوست آنها را کنده و سر آنها را تراش می‌دهند. دیرک‌ها در سیاه‌چادر تابستانه به صورت قائم و با فاصله حدود ۸۰ سانتی‌متر نصب می‌شوند.

در سیاه‌چادر زمستانه که به صورت شیب‌دار برپا می‌شود، دو یا سه دیرک را به هم متصل و به‌عنوان تیر حمال در وسط چادر نصب می‌کنند و زیر آن را دیرک‌های قائم به فواصل دو متر برای ایستایی قرار می‌دهند. با شیب‌دار شدن سیاه‌چادر زمستانه، آب باران از دو طرف به پایین سرازیر شده و از طریق جوی‌های کوچک کنده‌شده در اطراف سیاه‌چادر دفع

تصویر ۱۳. شیش (سوزن‌های اتصال چوبی) (نگارنده)

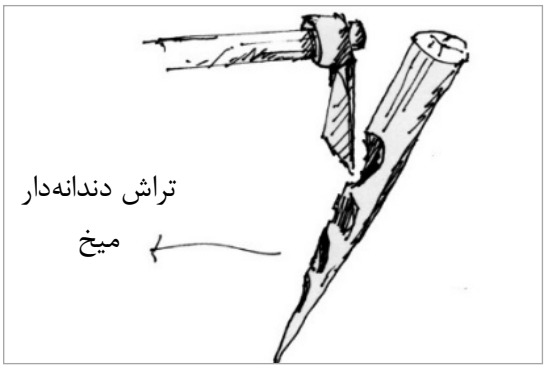

تصویر ۱۴. تراش دندانه‌دار میخ (نگارنده)

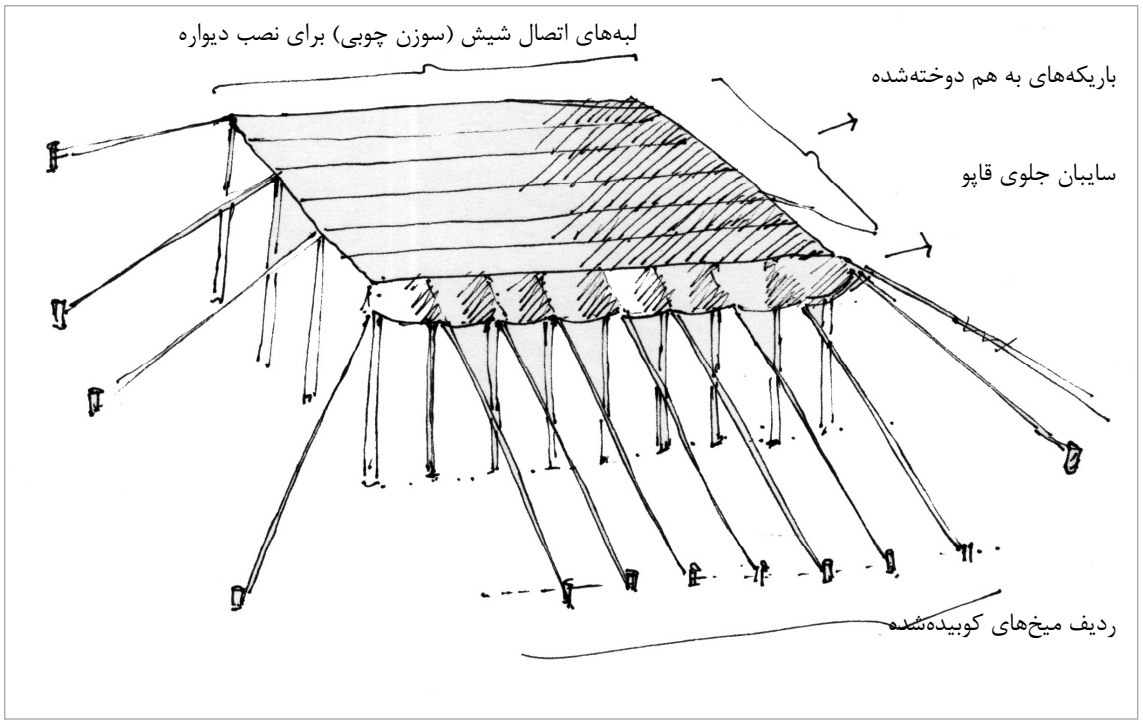

تصویر ۱۵. اسکلت سیاه‌چادر (نگارنده)

می‌شود. بنابراین ترکیب متفاوت لتف‌های چادر و دیرک‌ها، امکان ایجاد فرم‌های متناسب با اقلیم را در ییلاق و قشلاق ایجاد می‌کند.

- قلاب‌های چوبی: در سیاه‌چادر به هر یک از گوشه‌گیرها یا قلاب‌های آن، یک حلقه اتصال از جنس چوب آویزان می‌کنند که این حلقه‌های اتصال از یک طرف به سقف سیاه‌چادر و از طرف دیگر به طناب‌ها بسته می‌شوند. قلاب‌های چوبی، اشکال مختلف دارند و معمولاً دارای دو سوراخ هستند که یکی از آنها برای اتصال به سقف سیاه‌چادر و دیگری برای بستن طنابی است که به میخ گره می‌خورد. مزیت قلاب چوبی، امکان محکم کردن سیاه‌چادر است؛ زیرا هر وقت طناب‌ها شل شوند، گره مخصوصی که در مرکز طناب زده می‌شود را باز می‌کنند و اجازه می‌دهند تا طناب از میان قلاب بلغزد و سپس طناب کوتاه‌تر شده و گره آن را محکم می‌کنند. قلاب‌های چوبی، نقطه اتکای اساسی سیاه‌چادر هستند؛ زیرا مطابق با تصویر ۱۷، با ایجاد یک مفصل متحرک، ایستایی سیاه‌چادر را در طوفان‌های شدید تضمین کرده؛ بدین صورت که امکان بازی و حرکت محدود طناب‌ها و گوشه‌ها را فراهم می‌کنند.
- چیق‌بافی: آلاچیق با دیواره‌های ساخته‌شده از نخ و نی، بخش مهمی از مسکن کوچک را تشکیل می‌دهد؛ چون هم موجب ایجاد دیواره‌های محکم و امن در دور تا دور سیاه‌چادر شده و هم باعث زیبایی مسکن عشایر می‌شود. ترکیب آلاچیق با قطعات دیواره سیاه‌چادر، هم در زمستان به محافظت درون آن در برابر باد و سرما کمک کرده و هم از ورود گرد و خاک به داخل سیاه‌چادر جلوگیری می‌نماید. آلاچیق از دو قطعه به اندازه‌های مساوی که ۱/۵ متر عرض و بین ۶ تا ۱۰ متر طول دارند، بافته می‌شود و در قسمت زیرین دیواره‌های سیاه‌چادر به صورت عمودی قرار می‌گیرد؛ به‌طوری که تا نیمی از آلاچیق را دیواره سیاه‌چادر می‌پوشاند. مطابق با تصاویر ۱۸ و ۱۹، در هنگام کوچ، آلاچیق پیچیده و جمع شده و در مسیر کوچ به وسیله چهارپایان حمل می‌شود.

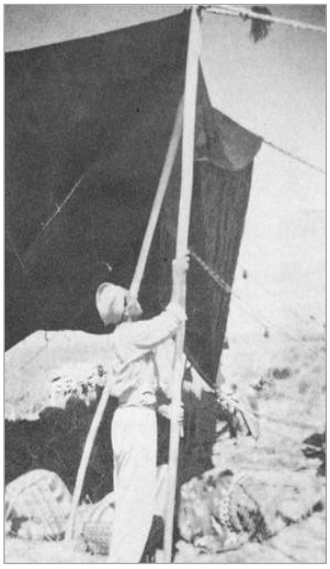

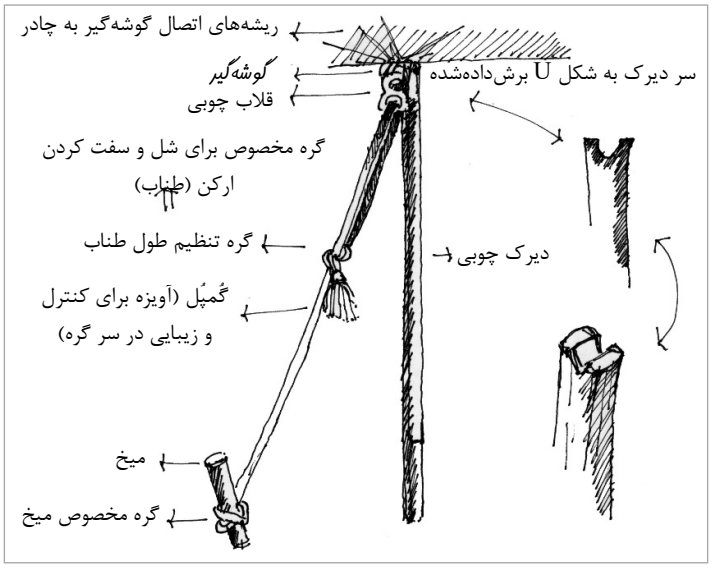

تصویر ۱۶. جزئیات اتصال میخ، طناب و گوشه‌گیر به یکدیگر و محل تنظیم طناب‌ها (نگارنده)

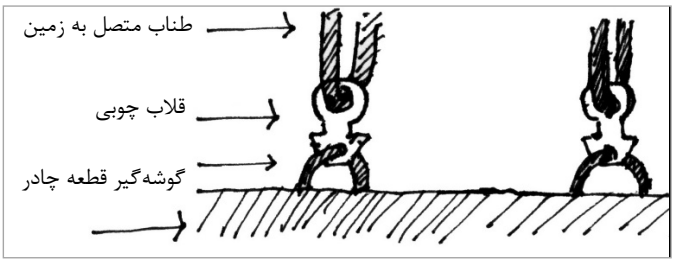

تصویر ۱۷. قلاب‌های چوبی سیاه‌چادر (نگارنده)

آلاچیق، انعطاف بالایی دارد و هنگام بارندگی و وزش باد می‌توان آن را به‌عنوان پناه باد تا جلوی در سیاه‌چادر حرکت داد و یا هنگام گرما آن را به عقب برگرداند.

چیق از نظر نوع جنس و طریق بافت و روش استفاده، انواع مختلف دارد که آلاچیق به‌عنوان دیواره سیاه‌چادر، مهم‌ترین کاربرد آن است. آلا کلمه‌ای ترکی است و به معنی پیسه یا سیاه و سفید است. آلاچیق، نوعی چیق است که با طول‌های متفاوت بین ۶ تا ۱۰ متر و به ارتفاع ۱/۵ متر از نی و ترکه‌های باریک تهیه می‌شود. آلاچیق، نقش مهمی در زیبایی بصری سیاه‌چادر دارد. به دلیل جلوگیری از سنگینی و امکان حمل آلاچیق به وسیله حیوانات، برای هر سیاه‌چادر دو قطعه آلاچیق بافته می‌شود. چون نی‌ها سبک و توخالی و شکننده هستند، به صورت یک در میان، از ترکه‌های درخت گز در بافتن آلاچیق استفاده می‌کنند.

تصویر ۱۸. ایجاد دیواره پیرامونی سیاه‌چادر با آلاچیق (نگارنده)

تصویر ۱۹. آلاچیق در حالت پیچیده‌شده برای کوچ (نگارنده)

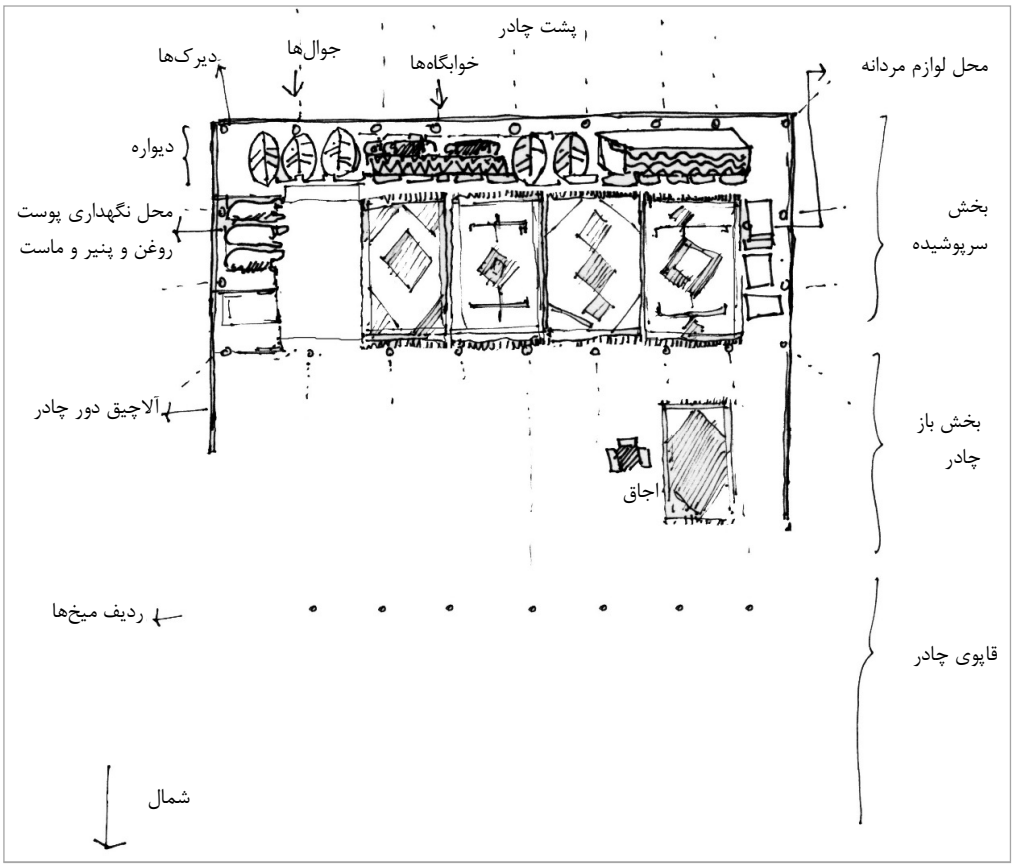

تصویر ۲۰. پلان سیاه‌چادر ییلاقی (تابستانه) (نگارنده)

محیط-رفتار سیاه‌چادر قشقائی

هر سیاه‌چادر به مثابه یک خانه کامل، شامل؛ محل خواب، غذاخوری، پذیرایی، آشپزخانه و انباری در یک فضای محدود است؛ علی‌رغم این محدودیت، هر گوشه سیاه‌چادر اختصاص به وسایل به‌خصوصی دارد. مطابق پلان تصویر ۲۰، در سیاه‌چادر تابستانه که یکی از اضلاع بزرگ آن درب ورودی است، چیدمان وسایل به‌گونه‌ای است که در ضلع کوچک سمت راست، چمدان‌ها، چراغ توری، لباس‌های مردانه، اسلحه، ظروف مخصوص مهمان و به‌طور کلی لوازم مردانه قرار می‌گیرند.

در طول سیاه‌چادر و در حاشیه ضلع بلند انتهایی آن، سنگ‌چینی تدارک می‌بینند تا وسایل روی آنها چیده شوند. در این بخش، از گوشه تا گوشه خوابگاه، پر از رختخواب، جوال‌ها و خوره‌های پر از آذوقه (آرد، برنج، جو) بوده و کلیه دست‌بافت‌ها روی هم چیده شده و با گلیمی مخصوص آنها را می‌پوشانند و روی آنها متکاها را ردیف می‌کنند. در نهایت، گلیم سرکش بزرگی که به اندازه طول سیاه‌چادر است روی این وسایل می‌کشند تا هم زیبا نمایان شود و هم وسایل را محفوظ نگه دارد. مطابق تصویر ۲۰، چیدن وسایل در طول سیاه‌چادر، مانند دیواری خوش‌نما از روبرو است که محافظ خوبی برای ورود باد و گرد و خاک بوده و برای نشستن، تکیه‌گاه مطلوبی است.

در ضلع کوچک سمت چپ، سنگ‌چینی ایجاد شده است که روی آن پوست‌های مختلف شامل؛ ماست، روغن، پنیر و مشک‌های پر از آب آشامیدنی قرار می‌گیرند و معمولاً برخی لوازم مانند وسایل نان‌پزی و آشپزی در همین گوشه هستند و به‌طور کلی، لوازمی که زنان با آن سر و کار دارند، در این قسمت قرار می‌دهند. لوازم زندگی چادرنشینان به ترتیبی درون سیاه‌چادر چیده می‌شوند که لوازم مردانه و مایحتاج مهمانان در گوشه سمت راست و ابزار وسایل زنانه در گوشه چپ قرار می‌گیرند.

با توجه به مطالب فوق، بعد دیگری در مطالعات یوردهای عشایری اهمیت دارد که مربوط به قرارگاه‌های رفتار است. درون فضای سیاه‌چادر، متشکل از قرارگاه‌هایی است که از جنبه‌های فضایی و زمانی اهمیت دارند و محمل رویدادهای رفتاری هستند.

محیط، شامل مجموعه‌ای از قرارگاه‌های رفتار است که درون یکدیگر قرار گرفته و با هم فصول مشترکی دارند. قرارگاه‌های رفتار، دارای دو عنصر اساسی شامل؛ الگوی شاخص رفتار و یک محیط کالبدی هستند. در تعریفی دقیق‌تر، قرارگاه رفتار، ترکیبی پایدار از رفتار و کالبد در نظر گرفته می‌شود که هم‌ساختی محیط کالبدی و الگوی جاری رفتار را در دوره زمانی خاص می‌طلبد. قرارگاه‌ها مانند فضا نیستند؛ یک فضا می‌تواند هم‌زمان قرارگاه‌های زیادی را در بر بگیرد. همچنین در طول زمان، قرارگاه‌های رفتار متفاوتی می‌توانند در یک فضا اتفاق بیفتند. مطالعات بیشتر در زمینه قرارگاه رفتار، از طریق مطالعات کولن (۱۳۹۷)، راپاپورت (۱۳۸۴؛ ۱۳۸۸؛

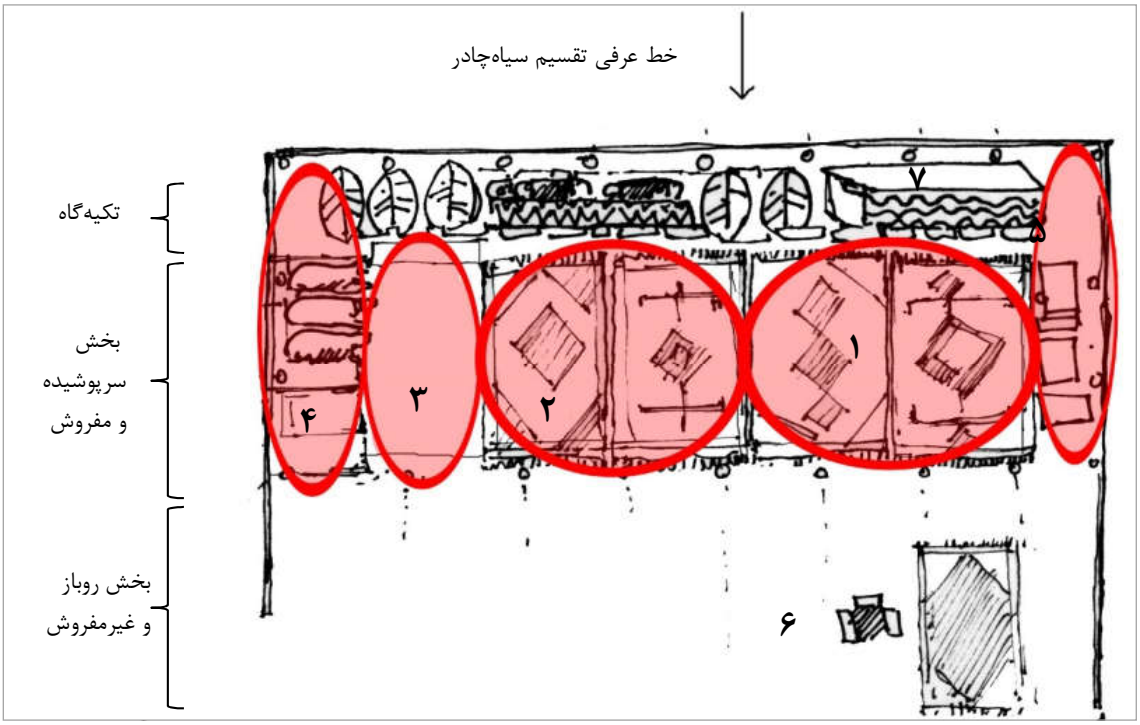

تصویر ۲۱. قرارگاه‌های رفتار فضای داخلی سیاه‌چادر ییلاقی (تابستانه) (نگارنده)

۱۳۹۱) و لنگ (۱۳۸۱) قابل پیگیری هستند.

در سیاه‌چادرهای عشایری نیز بخش‌های مختلف فضای داخلی سیاه‌چادر، پذیرای قرارگاه‌های مختلفی هستند. مطابق تصویر ۲۱، قرارگاه‌های رفتار در فضای سیاه‌چادر ییلاقی (تابستانه)، شامل قرارگاه‌های ذیل هستند:

۱. قرارگاه دورهم‌نشینی، گفتگو، پذیرایی و صرف غذای مردان
۲. قرارگاه دورهم‌نشینی، گفتگو، پذیرایی و صرف غذای زنان
۳. قرارگاه دسترسی به مواد غذایی و تدارک آن
۴. قرارگاه نگهداری مواد غذایی شامل؛ مشک‌های ماست، پنیر و روغن و جوال‌های آرد، شکر، قند، برنج و مشابه آن
۵. قرارگاه لوازم مردانه شامل؛ تفنگ، فشنگ، جعبه هزارپیشه، چمدان لباس و مشابه آن
۶. قرارگاه اجاق و دورهم‌نشینی اطراف اجاق
۷. قرارگاه تکیه‌گاه از مفرش‌ها و جوال‌ها

خارج از فضای سیاه‌چادر، قرارگاه قاپوی سیاه‌چادر است که در زمان برگزاری جشن عروسی کاربرد دارد. آنچه که در مطالعه قرارگاه‌های رفتار در سیاه‌چادر اهمیت می‌یابد، این است که تفکیک قرارگاه‌های مردان و زنان، به‌عنوان یک ارزش و یک خصوصیت فرهنگی در سیاه‌چادرهای تابستانه و زمستانه ایل قشقائی نمود پیدا می‌کند. بنابراین، تأثیر فرهنگ ایل قشقائی در سامان‌دهی محیط کالبدی و رفتاری آنان قابل مشاهده است.

با توجه به قرارگاه‌های فضای داخلی سیاه‌چادر ییلاقی (تابستانه)، رویدادهای رفتاری در طول زمان در فضای سیاه‌چادر رخ می‌دهند. از این‌رو، تفاوت اصلی بناهای احداث‌شده در محیط‌های شهری با محیط‌های بومی، در تفکیک فضایی قرارگاه‌های رفتار است. قرارگاه‌هایی که در محیط‌های بومی، در یک فضا در طول زمان روی می‌دهند، در محیط‌های شهری، دارای محدوده کالبدی مشخص و بدون هم‌پوشانی زمانی هستند.

این قرارگاه‌ها، متأثر از الگوی درونی سیاه‌چادر تابستانه و زمستانه بوده‌اند. قرارگاه‌های سیاه‌چادر تابستانه شامل؛ ۱. قرارگاه دورهم‌نشینی، گفتگو، پذیرایی و صرف غذای مردان، ۲. قرارگاه دورهم‌نشینی، گفتگو، پذیرایی و صرف غذای زنان، ۳. قرارگاه دسترسی به مواد غذایی و تدارک آن، ۴. قرارگاه نگهداری مواد غذایی، ۵. قرارگاه لوازم مردانه، ۶. قرارگاه اجاق و دورهم‌نشینی اطراف اجاق، ۷. قرارگاه تکیه‌گاه از مفرش‌ها و جوال‌ها هستند.

به‌عنوان یکی از پیشنهادهای این پژوهش، قرارگاه‌های رفتار سیاه‌چادر تابستانه می‌توانند الگویی برای ایجاد فضاهای جدید در ابعاد بزرگ‌تر باشند که یک الگوی آن به طریق تصویر ۲۲ امکان‌پذیر است. فضای نشیمن مردانه و زنانه، دو قرارگاهی هستند که می‌توانند منجر به یک فضا با تقسیم درونی و یا دو فضای مجزا شوند که برگرفته از الگوی قرارگاه‌های رفتار درونی سیاه‌چادر هستند. قاپو به‌عنوان فضای باز، اهمیت خاص خود را دارد که باید با فضاهای نشیمن در ارتباط باشد. اجاق به‌عنوان بازمانده فرهنگی، جایگاه فکری ویژه‌ای در فرهنگ ایل دارد و با احاطه آن با یک فضای خاص و تأثیرگذار، می‌توان اهمیت آن را مشخص نمود.

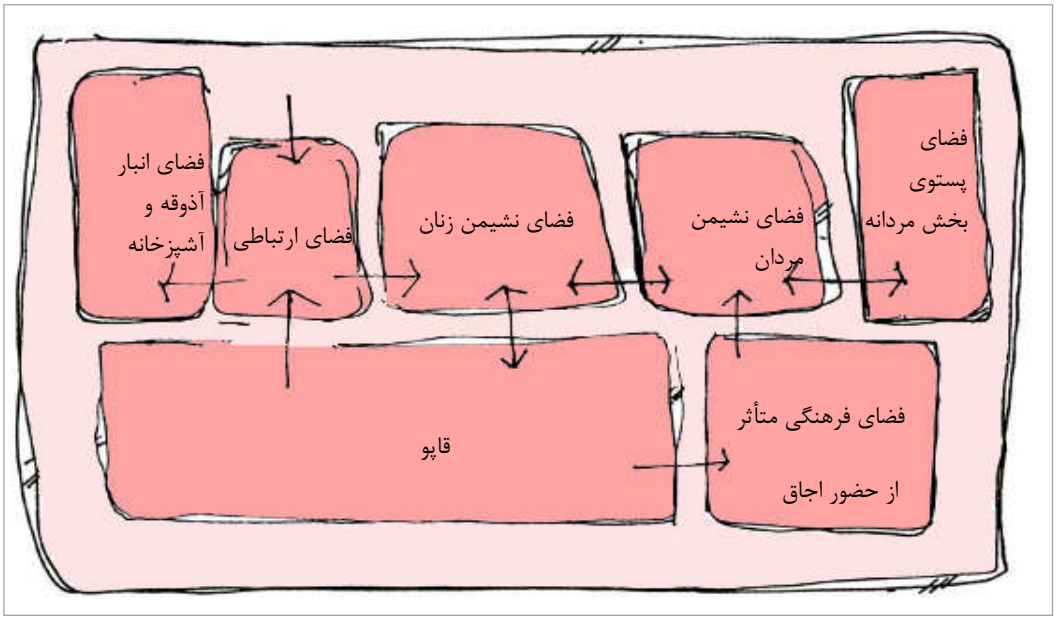

تصویر ۲۲. الگوی فضاهای جدید بر اساس الگوی قرارگاه‌های سیاه‌چادر تابستانه (نگارنده)

نتیجه‌گیری

مقاله پیش رو، نوشتاری برای گونه‌شناسی سیاه‌چادر ایل قشقائی است. در پاسخ به پرسش اول نیز باید عنوان نمود که بدنه اصلی مقاله، در پاسخ به تبیین ویژگی‌های معماری شامل؛ مصالح، عناصر، شیوه‌های ساخت و خصوصیات فرمی سیاه‌چادرهای ایل قشقائی بوده است.

سیاه‌چادر، تجربه ساخت مسکنی است که اجزای آن به مرور زمان بر اساس آزمون و انطباق مداوم با شرایط و نیازهای جامعه عشایری ساخته شده‌اند. در پاسخ به پرسش دوم باید گفت که در معماری عشایر، مفاهیمی از جمله؛ خودکفایی، سادگی، سرعت ساخت و اقتصادی بودن و تدارک مصالح مهم هستند و فرآوری مصالح آنان در حداقل زمان انجام می‌شود. مهم‌ترین بخش سیاه‌چادر ایل قشقائی، خودکفایی در انجام آن بوده که هر خانواده عشایری می‌توانسته است خانه خود را بسازد. در ادامه پاسخ به پرسش دوم، مطالعات رفتار-محیط که بر مبنای تحلیل قرارگاه‌های رفتار در بخش پایانی یافته‌های پژوهش ارائه شدند، بیانگر نحوه تحلیل رفتاری محیط‌های عشایری و مفاهیم نهفته در آنها هستند.

با توجه به تغییراتی که در دهه‌های اخیر در روش زندگی و شیوه معیشت ایل قشقائی رخ می‌دهند، به تدریج شاهد جایگزینی سیاه‌چادرهای عشایری با چادرهای صنعتی و همچنین، ایجاد ساختمان به جای سیاه‌چادر در یوردهای عشایری هستیم. متأسفانه جایگزین‌های سیاه‌چادر، نشانی از هویت ایل قشقائی ندارند و لازم است با الهام از گونه‌شناسی سیاه‌چادرهای ایل قشقائی، به دنبال جوابی مناسب به تغییرات روش زندگی و همچنین این‌همانی از طریق کالبد معماری بود. امید است که پژوهش پیش رو، راهگشای طراحان و اندیشمندان با توجه به زمینه‌های فرهنگی و کالبدی باشد.

همچنین، کاربرد مطالعات رفتار-محیط می‌تواند برای یکجانشینان ایل قشقائی، مورد توجه طرح‌های دولتی اسکان عشایر باشد. عشایری که یکجانشین شده، با توجه به گذر از مسکن تک فضایی به مسکن چند فضایی، با مسائل عدیده‌ای از جمله مبلمان خانه جدید چند فضایی روبرو می‌شوند. ضمن اینکه تخصیص عملکرد به چندین فضا، معضلات دیگری را به همراه دارد که الگوی ارائه‌شده می‌تواند کاربرد داشته باشد. در خصوص افراد کوچ‌رو، که به تدریج به دنبال جایگزینی سیاه‌چادر با ساختمان در یورد ییلاقی و قشلاقی هستند، نیز تحلیل‌های محیط-رفتار این کتاب می‌توانند راهگشا باشند؛ کما اینکه اخیراً سازمان‌های ذیربط در جنوب استان اصفهان، به دنبال الگویی مولد و زمینه‌گرا برای این‌گونه موارد جایگزین هستند تا با زمینه‌های فرمی و رفتاری سکونت عشایر ایل قشقائی هم‌راستا شود.

منابع و مآخذ

- افشاری، محسن (۱۳۸۳). *"مطالعه و طراحی مسکن مناسب برای ایل قشقائی"*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری. یزد: دانشگاه یزد.
- ---------- (۱۳۹۴). *"سازگاری محیط با روش زندگی انسان، مطالعه موردی ایل قشقائی"*. رساله دکتری، معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ---------- (۱۳۹۸الف). فواصل فضائی و زمانی حریم در سکونتگاه‌های عشایری. *مرمت و معماری ایران*، ۲ (۱۷)، ۴۶-۵۷.
- ---------- (۱۳۹۸ب). **مسکن و معماری کوچ در زیست‌بوم ایل قشقائی، درآمدی بر شناخت فرهنگ سکونت و حرکت در فلات ایران**. چاپ اول، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۴الف). توالی معنادار فعالیت‌ها در مسکن، مطالعه موردی ایل قشقائی. *مطالعات معماری ایران*، ۴ (۷)، ۱۷-۵.

- ---------- (۱۳۹۴ب). سازگاری محیط با روش زندگی انسان، یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی. *مسکن و محیط روستا*، ۳۴ (۱۵۲)، ۱۶-۳.
- ---------- (۱۳۹۵). مقیاس‌های روش زندگی در مسکن. *مسکن و محیط روستا*، ۳۵ (۱۵۴)، ۱۸-۳.
- اوژن، کیوان (۱۳۸۴). *"کوچ و مسکن کوچ"*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری. یزد: دانشگاه یزد.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۹). **مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری**. چاپ اول، تهران: دیدار.
- بهمن بیگی، محمد (۱۳۶۹). **بخارای من، ایل من (مجموعه داستان)**. چاپ سوم، تهران: آگاه.
- ---------- (۱۳۷۷). **اگر قره آقاج نبود (گوشه‌هایی از خاطرات)**. چاپ دوم، تهران: باغ آینده.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**. چاپ اول، تهران: سمت.
- دومورینی، گوستاو (۱۳۷۵). **عشایر فارس (اصلاحات اداری)**. ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴). **معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی**. ترجمه فرح حبیب، چاپ اول، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ---------- (۱۳۸۸). **انسان‌شناسی مسکن**. ترجمه خسرو افضلیان، چاپ اول، تهران: حرفه هنرمند.
- ---------- (۱۳۹۱). **فرهنگ، معماری و طراحی**. ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیاپاشا، چاپ اول، ساری: شلفین.
- راهب، غزل (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم "گونه" در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته‌بندی گونه‌های مسکن روستایی در ایران. *مسکن و محیط روستا*، ۳۴ (۱۵۰)، ۱۸-۳.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. *دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۱۰ (۳)، ۲۵۰-۲۳۸.
- شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۸۱). **معماری: حضور، زبان و مکان**. ترجمه ویدا برازجانی، چاپ اول، تهران: معمار- نشر.
- ضرغامی، اسماعیل (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مسکن عشایر ایران. *مسکن و محیط روستا*، ۳۵ (۱۵۵)، ۳۶-۱۹.
- فیلبرگ، کارل گونار (۱۳۷۲). **سیاه‌چادر، مسکن کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان جهان در پویه تاریخ**. ترجمه اصغر کریمی، چاپ اول، مشهد: آستان قدس.
- کولن، هنی (۱۳۹۷). **معنای خصوصیات مسکن، مباحث مفهومی و روش‌شناختی**. ترجمه محسن افشاری، چاپ اول، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۱). **سیه‌چادرها**. چاپ اول، شیراز: کیان نشر.
- ---------- (۱۳۷۷). **کوچ با عشق شقایق**. چاپ اول، شیراز: کیان نشر.
- لنگ، جان (۱۳۸۱). **آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط**. ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- معماریان، غلامحسین و دهقانی‌تفتی، محسن (۱۳۹۷). در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه گونه تالاردار شهر تفت). *مسکن و محیط روستا*، ۳۷ (۱۶۲)، ۳۸-۲۱.
- معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمدعلی (۱۳۹۲). گونه و گونه‌شناسی معماری. *دو فصلنامه معماری و شهرسازی ایران*، ۶ (۲)، ۱۱۴-۱۰۳.

- Afshari, Mohsen & Alinaghizadeh, Mehdi. (2012). Educational and practical approach to the study of native architecture, case study study of Qashqai tribe housing. *Procedia Social and Behavioral Journal*, 51, 373- 379.
- Afshari, Mohsen.; Coolen, Henny. & Pourdeihimi, Shahram. (2014). Meaningful Spatial and Temporal Sequences of Activities in Qashqai Dwellings. **ENHR Conference**. Edinburgh: ENHR 2014 Delegate Booklet. 126.

- Alinaghizadeh, Mehdi & Afshari, Mohsen. (2012). Study the functional aspects of architecture through the analytical survey of native architecture, case study of functional study of sedentary of Qashqai tribes housing. *Procedia Social and Behavioral Journal*, 51, 380- 385.

Received: 2019/06/29
Accepted: 2020/08/05

Architectural Typology of Qashqai Black Tent

Mohsen Afshari*

Abstract

Traditionally, Iranian nomads in terms of their lives and livelihoods, the animated livestock or migration, have made their houses portable, durable, lightweight and quickly detachable and attachable. Nomadic black tent, made of canvas material with light and resistant structures in the different weather conditions and continuous transport, as self-sufficient is prepared by nomads, and black tents components are easily loadable on livestock. Other features of the structure are it being changeable in terms of its form at different time and in different seasons with specific and permanent elements, that are registered in four shapes of summer, winter, migration and rapid changes in unpredicted rainfall. Simplicity, flexibility, quickly assembled, and being affordable economically are the other advantages of black tents of the tribes. Due to the nature of the study and the need to understand the architectural and housing features, this research was carried out under a "descriptive research method" to illustrate the nature and status of the Qashqai tribe's black tent. The sub-branches of descriptive research method, "survey" type and "cross-sectional method" were used. In order to collect the data based on the characteristics of migration architecture, "targeted theoretical sampling" was used over a period of one year. In order to conduct this investigation, in addition to library research, field research was done on the form, construction method, and the elements of the black tents of the Qashqai tribe in which their territory was from the South of the province of Isfahan to Fars, Booshehr, and Khoozestan provinces. The importance of this typology is that black tent of Qashqai tribe, is the only cube-shaped species of black tents in the world in the summer format. In addition to recording part of Iran's cultural and architectural heritage, which is fading and dissolving, the findings of this study could inspire new ideas for designing new cable and tent structures in any cultural context. Due to the changes in recent decades in the lifestyle and livelihood of the Qashqai tribe, black tents have gradually been replaced by industrial tents. Furthermore, buildings have been built instead of black tents in nomadic dwellings. Unfortunately, alternatives to the black tent, do not have the Qashqai tribe identity, and are not inspired by the typology of Qashqai tribe black tent, to respond appropriately to changes in lifestyle and identity through the architecture body. It is hoped that this study could be a guide for designers and stakeholders with respect to the physical and cultural context.

Keywords: architecture, black tent, Qashqai nomad, typology

* Assistant Professor, School of Architecture, Art University of Isfahan. *m.afshary@aui.ac.ir*